

متن پرسش

باسلام سوال خصوصی: همسر من مداح است و هفته ای یکبار در تهران هیئت دارد و ایام شهادتها ومحرم و فاطمیه را به شهرستان و هیئت خودشان میرود و اگر مناسبتی نباشد یه هفته درمیان به انجا میرود یعنی یک هته درمیان دو شب در هفته به هیئت میرود یکی درتهران و دیگری شهرستان علاوه بر این همه ی فکرو ذکرش هیئت است و در روز حداقل با ۳ نفر از رفقاییش حرف میزند و اصلا به مسائل زندگی توجه ندارد انگار که هیچ مسئولیتی به دوش ندارد وقتی را که میخواهد کنار من صرف کند یا پای اخبار است یا در حال انجام کار دیگری است جوری که شاید حرفمو چند بار باید تکرار کنم تا جوابمو بده گاهی وقتها واقعا انگار بادیوار حرف میزنم. خیلی دچار سرخوردگی میشوم بخاطر همین موضوع از هیئت و همه ی مسائل مذهبی بیزار شدم حتی یک بار به من گفت تو باید مثل زن زهیر باشی و به من بگی برو منم بهش گفتم هر موقع امام زمان اومد این حرفوبهت میزنم کلی بعد و قبل هیئت وقتشو با رفیقاش میگذرونه واقعا دیگه از همه چی خسته شدم چرا ادما نمیتونن تعادل داشته باشن؟خواهش میکنم راهنماییم کنید همه اعتقادمو دارم از دست میدم خواهشا جواب رابه صورت خصوصی بدهید باتشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: این موضوعات نکاتی نیست که بنده بتوانم عرایضی در موردش داشته باشم. نهایتاً آن آقا باید از افراط و تفریط به سوی تعادل برگردد شما هم باید فعلاً موقعیت ایشان را درک کنید. موفق باشید